

بسم الله الرحمن الرحيم

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون

به دنبال مباحثی که در تفسیر سوره بقره داشتیم به آیه 104 رسیدیم؛ یا ایها الذین آمنوا لا تقولوا راعنا و قولوا انظرنا واسمعوا و للکافرین عذاب الیم.

در درس امروز به محضر هفت آیه خواهیم رسید آیه 104 تا 110؛ مستحضرید انتخاب ما هم فقره فقره است یعنی این قسمت، مطالبی مرتبط دارد.

آیه 104: ای مومنان کلمه راعنا را به کار نبرید و به جای آن از انظرنا استفاده کنید گوش بدید که کافران عذاب الیم دارند. ما شان نزول آیه را اگر در نظر بگیریم پیام مهم آیه را نخواهیم فهمید. اگر معنای راعنا و انظرنا یکی است معنا ندارد گفته شود این را بگویید آن را نگویید اگر معنا متفاوت است آنها می خواستند راعنا بگویند نه انظرنا چه معنا دارد قرآن بگوید انظرنا بگویید. وقتی شان نزول را می بینیم متوجه مطلب می شویم. مفسران دو یا سه مدل شان نزول را مطرح کرده اند که با هم منافاتی هم ندارد. یکی از شان نزول ها این است که وقتی آیات قرآن نازل می شد مسلمانان اطراف پیغمبر را می گرفتند و می خواستند دقیق بشنوند لذا از پیامبر تقاضا می کردند کمی یواش تر (راعنا) یعنی ملاحظه ما را بکن. راعنا از همان مراعات است. اما این کلمه دستاویزی شده بود برای دشمن لجوج پیامبر و مسلمانان (یهود) یهودی ها راعنا را راعینا می خواندند و می گفتند اصحاب پیامبر به پیامبر می گویند راعینا ما را بچران ما مثل گوسفند هستیم ما را بچران؛ یا راعنا را از رعی نمی گرفتند از رعن می گرفتند یعنی ما را تحمیق کن. خداوند در این آیه به پیغمبر دستور می دهد به مومنان بگو این کلمه را کنار بگذارند و بگویند انظرنا یعنی ناظر ما باش بر ما اشراف داشته باش حواست به ما باشد.

به بهانه این آیه من می خواهیم این را مطرح کنم که ما چقدر باید در رفتار، گفته و نوشته هایمان مراعات دیگران را بکنیم؟ ما حرفی که می زنیم دیگران برداشتی خواهند داشت حال سوال این است آیا ما مسؤول برداشت دیگران هستیم یا نه؟ مسولیت انسان در برداشت دیگران از صحبت ها، رفتارها و نوشته ها موضوع خوبی برای پایان نامه است. خیلی وقت ها انسان نمی تواند برداشت دیگران را نسبت به سخنانش پیش بینی بکند مثلاً شما بالای منبر می گوید راست گفتن واجب نیست طرف فکر می کند که در خیلی جاها می تواند مطالب را کتمان بکند و... در حالی که شما منظورتان این نبوده است.

مرحوم میرزای نوری وقتی کتاب فصل الخطاب فی تحریف الکتاب را نوشت آمد تمام روایات دال بر تحریف را جمع کرد بعد گفتند ایشان تحریف را ثابت نکرده است اما دیگران از این کتاب برداشت کردند ایشان تحریف را پذیرفته است. تنها کتابی که در عربستان مرتب از شیعه چاپ می شود همین کتاب است. من در جلسه ای که با بن غامدی داشتم گفتم شما چندتا از کتاب های ما (شیعه) را دارید؟ شما یک اصول کافی از کتاب های ما را دارید و یک کتاب فصل الخطاب اما در کتاب خانه من بسیاری از کتاب های شما (اهل سنت) وجود دارد.

با برخی از روحانیون مرفه که صحبت می کنیم می گویند آیا ما دزدی کرده ایم اگر مردم پشت سر ما صحبت می کنند مهم نیست اگر برداشت اشتباه می کنند به ما ربطی ندارد و... در مقابل برخی معتقدند شما مسؤول برداشت مردم هم هستید حق ندارید هر طور دلتان می خواهد زندگی کنید.

آنچه که من الان می گویم علی الحساب است؛ به نظر ما هر انسانی باید مواظبت متعارف را در سخنرانی، نوشته و رفتارش بکند.

یک موقعی من رفته بودم حرم، دیدم روحانی مساله گو دارد موارد جواز دروغ را می گوید از جمله از موارد جواز اینکه مرد به زنش دروغ بگوید و... گفتم لاله الا الله یک سری زائر از شهرستان آمده است این را بشنوند چه می گویند. اینجا که کلاس مکاسب نیست که این را مطرح می کنی؟!

این مساله گو معلوم است نمی فهمد چه می گوید در اینجا مخاطب حق دارد برداشت سوء بکند.

اگر مردی که مساله را شنیده از این به بعد مرتب به خانمش دروغ بگوید برداشت طبیعی از سخن مساله گو داشته است. اما گاهی شخصی از صحبت دیگری برداشت غیر متعارف می کند در آن صورت ما دستور نداریم و قدرت اصلاح برداشت دیگران را نداریم لذا مسوولیتی نسبت به آن شخص نداریم.

من یک موقعی گفته بودم هر راست گفتنی واجب نیست شخصی آمد گفت یعنی بریم دروغ بگوییم و... خب این شخص برداشت نامتعارف از کلام من کرده بود.

ممکن است شخصی مجبور شود کمی مرفه زندگی بکند مثلاً از خانواده ای زن گرفته که همه مرفه هستند اگر بخواهد مثل یک طلبه رساله زندگی کند طلاق اتفاق می افتد و... البته در مصداق کار آسان نیست و مشکل است.

من می گویم مدیریت سخن یا رفتار در ارتباط با برداشت دیگران، اگر انسان حرفی بزند که به طور طبیعی از کلامش سوء برداشت می شود مقصر است آنچه مهم است برداشت اکثریت است.

در مساله تشبیه به کفار می گویند شما مسول هستید که در پوشش و رفتار مثل دیگران نشوید، اگر کسی چیزی که شعار مجوس است در سینه اش آویزان کند با اینکه مسلمان است ممکن است ما به او اشکال بگیریم و بگوییم برداشت طبیعی دیگران از این علامت چیز دیگری است و تو مسوول هستی.

در ادامه خداوند وارد یک هشدار می شود من اسم آیه 105 را آیه هشدار می گذارم.

ما یود الذین کفروا من اهل الکتاب و للمشرکین ان ینزل علیکم من خیر من ربکم واللّه یختص برحمته من یشاء و الله ذو الفضل العظیم.

اگر از من بپرسید این آیه چند پیام دارد می گویم سه تا؛ نسبت به قسمت اول؛ شما گول ظاهر اهل کتاب و مشرکین را نخورید آنها دوست ندارند از سوی خدا برای شما خیری نازل شود. آیا این آیه یک آیه ابدی است؛ یعنی آیا مشرکین در هیچ مقطعی خیر شما را نمی خواهند یا نه آیات اقتضائی و مقطعی است؛ الان چند صد میلیون بودیست یا هندویست، یا سیک در هند زندگی می کنند آیا آنها نسبت به ما حسادت دارند یا نمی خواهند خیری برای ما نازل شود و یا نه بلکه ما برای آن ها اصلاً مهم نیستیم؛ آیا آیات بیانگر فرازمان و فرا مکان هستند یا بیانگر اقتضاء اند؛ ما صدها میلیون اهل کتاب داریم آیا این ها نمی خواهند بر ما خیری نازل شود یا با ما اصلاً کاری ندارند؛ الان اکثر اهل کتاب اصلاً با ما کاری ندارند ممکن است عده ای هم لجوج و عنود باشند. پس آیه باید اقتضائی معنا شود.

والله یختص برحمته من یشاء؛ خداوند هرکس را بخواهد به رحمتش اختصاص می دهد. ممکن است از این آیه استفاده جبر و تفویض شود. اینجا نمی گوید من یشاء کیست اما در جاهای دیگر می فرماید: من یشاء کسی است که خودش بخواهد.

ایام جنگ من در نیروی دریای ماهشهر بودم یکی از روحانیون گفت یک افسری است سوال دارد و می گوید کسی جواب من را نداده است؛ بگویم بیاید پیش شما؛ (آن زمان نیروی دریایی ها اهل مطالعه بودند و بیرون تحصیل کرده بودند) گفت حاج آقا من سوالی دارم و کسی جواب نداده است و... گفت اینکه قرآن می گوید یهدی من یشاء و یضل من یشاء چیست؛ ما کتشک هستیم؛ به او گفتم درست است که این آیه در قرآن است اما در این آیه آیا من یشاء معرفی شده است؛ در جای دیگر فرموده است یهدی من یشاء یعنی هر که انتخاب کند؛ انا هدیناه السبیل اما شاکراً او کفوراً؛ من یشاء کسی است که طالب هدایت است. گفت خیلی ممنون قانع شدم.

ممکن است خداوند برای اینکه نظام خلقت کامل بشود برخی را ویژه عنایت کند مثلاً به پیغمبر و امام یک عنایت ویژه ای بکند لذا ما می توانیم بگوییم پیغمبر و امام هم به خاطر لیاقت خودشان و هم عنایت پروردگار به این مقامات رسیده اند.

به نظرم والله ذو الفضل العظیم به این اشاره دارد که اگر در حق یک نفر تفضل کردیم نگویید چرا؛ ما که برای کسی کم نگذاشتیم.

خداوند در این دنیا هم پیامبر می خواهد هم امام هم مردم عادی و... در گذشته روایتی دیدم که اگر همه عاقل بودند عالم فاسد می شد؛ از امام عسکری علیه السلام: **لَوْ عَقَلَ أَهْلُ الدُّنْيَا خَرِبَتْ**. در روایت دیگر آمده لخریت. اگر همه بخواهند منطقی رفتار کنند نظام اجتماعی پیش نمی رود. مرد اگر منطق داشت زن باید عاطفه داشته باشد و... تا کار پیش برود و زندگی به هم نخورد.

ماننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها ألم تعلم ان الله على كل شی قدير.

باید شان نزول این را هم بدانیم؛ یهود لجوج نسبت به نماز خواندن پیامبر به طرف بیت المقدس اشکال می کردند بعداً آیه نازل شد به سمت کعبه برگرد. این ها بهانه می کردند و می گفتند فلان جریان نسخ شد؛ اگر اول درست بود دوم چه هست اگر دومی درست است اولی چه بود و... آیه نازل شد کار ما حکمت دارد و عوض شدن قبله دارای حکمت است. اگر ما نسخ کنیم یا نزول آیه ای را تاخیر بیندازیم بهترش را می آوریم. ما به نظر شرطیه است آنچه نسخ می کنیم یا تاخیر می اندازیم نسخ و تاخیرش به مصلحت است.

گاهی عالمی فوت می کند برخی به خاطر دلداری این آیه را می آورند. یعنی اگر یک عالمی رفت یک عالم بزرگتری جای آن را پر می کند.

و ما تقدموا من خير تجدوه عند الله ... یعنی عمل خیری انجام دهید خود عمل را می بینید. برخی ممکن است در ترجمه بگویند نتیجه اش را اما این سو بسید دادن است.

الحمد لله رب العالمين